بیان کنند. هنرمند نمی تواند سر خود برود و کاری بکند مانیازمند سازمانی هستیم که برای پیشبرد باشدخودمآن بیاییم سازمانی درست کنیم و کاری انجام دهیم(باخنده)البته اگربگذارند. قدام دیگری که شــهردارّی موجب آن ا، و ناراحتی خُیلی ها رأ به دنبال داشت و دارد، مامور کردن افرادی است که با لباس های کثیف به سطل آشغال های بزرگ سر میزنند و آنها را زیر و رو می کنند وقتی این وضع اسفناک و غیرانسانی رامی بینم حیرت می کنم کـه چقدر کار تفکیک زباله می تواند با سیستم درستی انجام گیرد و آن وقت می آیند و ایس گروه ژنده و سراپا کثافت را راهى خيابان هامى كنندمن هروقت اين جوان هاى . سراپاکثیفرامیبینمباخودمیُگویمچراچارهساز متخصص و حرفهای نداریم...این کار از اقدامات بد



ليلى گلستان از مواجهه سى سالهاش باقشر متوسط جامعه ايراني مى گويد؛

درگذشته پولدارها علاوه برپول تواضع هم داشتند

طرح نو|عليي پاكزاد-رضا نامجو| گالـریداری، نویسـندگی، مترجــم بــودن و همســر و مادر دوهنرمندشــناخته شده بودن (نعمت حقیقی) انسانی چند وجهی از لیلی گلستان ساخته است. گالری . ۲ های ر .. ی گلستان که او خود در ســال ۶۷ آن را تاسیس کرد، سالهاست محلی برای حضور طبقهای خاص به عنوان خریدار آثار هنری است. مترجم کتاب «قصه عجیب اسپر ما تو »بر خلاف بسیاری از جامعه شناسان هنوز هم قشـر متوسـط را ناثیر گذار ترین قشــر جامعه ایرانــی می داند. گلستان درباره این طبقهاجتماعی می گوید: نمی دانم شاید آنها اصلانخواهند قدرت به ـت بیاورند. آنها کارمندان، فروشندگان یا تولیدکنندههای کوچکی هســـتند که به خانه اجارهایشان دلخوشاند یا خانه کوچکی از آن بردری ای ساز می کنندوشرافتمندانه زندگی را خوددارند، کارمی کنندوشرافتمندانه زندگی را می گذرانند. فکر نمی کنم هر گزدلشان بخواهد قدرت های آنچنانی پیدا کننسد» گفتو گوی وسط هفته این شماره را با این اهل فرهنگ و

ــور در گالریها و خریـــد آثار هنری هنوز هم مختص طبقه خاصی از جامعه است که توانایی مالی این کار را دارند. با این وجود عملکردشمادر گالری گلستان نشان دهنده دید متفاوتی است که شـما که مسئول این . گالری هســتند درباره مخاطبین تان دارند. شمااز فروش اقساطی آثار هنری چه هدفی داشتید؟آیامیخواستیدمیانطبقهمتوسط هممشترىداشتهباشيد؟

وقتی در سِال ۶۷ درسـت بعداز جنگ، گالری گلستان را تأسیس کردم، هدفم از راهاندازی این گالری را بُرای کسانی که به مراسم اُفتتاحیه آ ودند، گفتی از همان روز اول هدفی این بود که از رر از از این بتوانم آنهاز ابه عرصه اجتماعی معرفی کنم از سوی دیگر می خواستم کاری کنم که قشر متوسط هم به خریداران تابلوهایی که در نمایشگاه به نمایش در مى آمدند، بييوندند. هدفم اين بود كه طبقه متوسط را «خریدار» کنم طبقه متوسطی که عموما کار مند دولت یا مغازه دار یا تولید کننده بود و نمی توانست تابلوهایی را که آن روزها ۱۰۰هزار تومان قیمت ، بخرُد به همینُ دلیل برای اُولینُ بار، گالری گلستان فروش اقســاطی تابلوهای نقاشی را آغاز کرد. آن روزها فقط خانم سیحون و آقای علی اکبر صادقی گالری داشـــتند. خانم سیحون به کار من اعتراض کردو گفت: «بااین کارت داری توی، سرس بردو سخت به بین در سخری بری سسر مال میزنی. داری هنر را نازل می کنسی و آن را از منزلت اصلی اش به پایین می کشی ».من در پاسخ به او گفتم: «با این کار هدف دارم. می خواهم قشر متوسطى كه حقوق مشخص و به نسبت پاييني ری داردو از سوی دیگر از علاقهمندان هنر است بتواند به خواستهاش برسد». خلاصه این که با هم بحث کردیم و هیچ کداممان هم دیگری را قانع نکردیم. م سیحون از دســت من خیلی ناراحت شد من کار خودم را کردم و تا امروز هم که داریم با هم ن می کنیم، ایس کار را ادامه دادهام در خانه

بعبهای دارم که پر شده از چکهای مدت داری که از مشتری های گالری گرفته ام. در تمام این سال ها پُول هنرمند را به مُوقع مُی دهــمُ و خودم منتظر وصول طلبها می مانم. امروز قشر متوسط یکی از بنابراین می شود، گفت: ما «خریدار »سازی کردهایم امروز خریدبسیاری از مشتری هااستمرار نارد، بنابراین «مجموعهدار» سازی هم کردیم البُته که خیلی زود به این پولها نمی رسم، اما از نظر من هیچ اشـکالی در این کار وجود ندارد. چرا که امروز کسانی که دوست دارند در خانه خود کار هنری داشته باشند، با هر سطحی از در آمد مے توانند به خواسته خودشان بر سند

برداشت سرجای خودقابل بحث است. اگر با این نظر موافق نیستید به نظر تان از چه راهی میشود نگرش حاکم بر شرایط اجتماعی از اینمنظرراتغییردارد؟

من همیشه در کارم به استمرار فکر کردهام بنابراین به اقدامات موقتی اعتقاد چندانی ندار م.این در حالی است که جامعه مااساسابا روحیه موقتی به زندگی ادامه می دهد بااین ذهنیت: «امروز جیبهرا پر کنیه فردا خدابزرگ است». مسأله مهم تاثیرات غیرقابل انکاری است که قشر متوسط بر شئونات مختلف اجتماعي دار د. قشير بالآيي جامعه يول و قدرت داردو می تواند هر کاری دلش خواست بک اما ُحقیقتا تَصمیم نهایی را چه کسی می گیرد؟ چه کسانی برای مراسم مرتضی پاشایی در خیابانها تجمع کردند؟ همین قشر متوسط، بچه فلان آدم ثروتمند که نرفت چه کسانی این موج را به وجود آوردند؟ قشر متوسط چه کسانی برای پیروزی روسه اسر سوسد به استای برای پیروردی قشر متوسط به نظر کلید همه چیز در جامعه ما در دست قشر متوسط است و ما نباید فکر کنیم أنهاميخواهند خودشان رابه بالايىها برسانند. . شاید آنها اصلا چنین قصدی نداشته باشند. شاید خواهند قدرتی که در مخیله تاریخی شان قدرت شریفی نیست را به دست بیاورند. آنها کارمندانی هستند که به خانه اجارهای خود دلخوش اندیا خانه کوچکـــی از آن خود دارند، آنهـــا زحمت کشاندو شریفاند و دارند با شرافت زندگی را می گذرانند. فكرنمىكنم دلشان بخواهد قدرتهاى آن چنانى قدرمهی نتم دلشان بحواهد قدرتهای ان چنامی پیدا کنند یا به جایگاهی خاص برسند کسانی که انقلاب را شکل دادند و کسانی که آقای روحانی را بهعنوان رئیس جمهوری انتخاب کردند از همین طبقهاند اصلاق را زبود روحانی رئیس جمهوری شـود. ظرف ۲ روزخواست قشـر متوسط باعث رقمخوردن این اتفاق شــد. به نظر من همه چیز

دُستَقَشَر متوسطاست چون در اکثریت است. • بااین وجود این طبقه شریف و با آبرو مشکلات فراوانی دارد که با آنها دست و پنجه

من منکر کمبودهای آنها نیستم. آنها آرزوهای زیادی برای بچههایشان دارند و دلشان میخواهد

کارهای زیادی انجام دهند ولی نمی توانند اما این ماجرابه دولتهامربوط مى شود. من معتقدم كه آنها از قشر بالاتر جامعه خوشبخت تر هستند. از سوى ديگر لازم است به اين نكته هم توجه داشته باشیم که طبقه ثروتمندفقط از یک مسیر خاص، یعنی زدوبند کردن به مکنت نرسیدهاست. کسانی که امروز ثروتمندان جامعه مارا تشکیل می دهندیا باشّيم كه طُبقُه ثروتمند فقط ازيك م از ســـرُ کَارُ کُردن پولدار شدهانُد (که کار بدی انجام ندادهاند) یا از راهی به این پول ها رسیدهاند که هیچ انســان شــریفی حاضر به پول در آوردن از این راه نیست. یکی از همین افراد پولدار کهاز گروه اول بود " بامن تماس گرفت و ساعت کار گالری را پُرسید. به و گفتم: «گالری از سساعت ۴ تا ۸ شب باز است» به من گفت: «خانج من تاساعت ۱۰ شب سر کار نم».این فرد که تا ساعت ۱۰ شب کار می کند نار د، زحمت می کشید. از زن و بچه و همهٔ چیز ش

گذشـــته، دلش می خواهد زندگی بهتری داشــ باشــد. خلاصه ســاعت ۱۱ شب بامن قرار گذاشت. از این دست هستندوزندگي عجيبي دارند، زیاد هستند. اما خیلی از کسانی که پولدارند لزوما با فساد به مال و منال نرســیدهاند. آنها از هوش خود استفاده می کنند و زحمت مى كشند اما تعيين كننده اصلى ی همانناظرانخاموشیهستندکه نمامرخدادهای اجتماعی را آرام و ے یسروصداراہمیاندازند

 بُـه نظـر بسـیاری از کارشناسانوجامعهشناسان، ۔ خیلے از موارد هم ابزار رخدادهای عظیم اجتماعی هستندنهچیزیبیشازاین! همهجا طبقات مختلف

حتماعي دارند. همــه حا بولدار باً قدرت، پولدار بیقدرت، قش متوسط و قشــر فقیر دارد. همه اينها در كنار هم جامعه را تشكيل

با جوان های زیدادی سر و کار دارم. جوان های باسوادی را می بینم که به خُوبی به شرایط جامعه اشراف دارند و اهل مطالعه و اهل فرهنگ و هنراند. اینهاهمه از قشر متوسط برخاسته اند. از سوی دیگر قَشْر پولدار غيرسياسي وغيردولتي هم خيلي دوسست دارد، بیاموزد. خانسم مرفهی که مذهبی ــتو دختر کوچکش هم روسری به سر دار د به گالری مُی آید وُ از ُ من خواهش ُ می کند نقاشُ رابرای دخترش توضیح دهم. اما من فکر می کنم ر رسی به از رسید. مارویش نمی شـود بگوید به او توضیح دهم. من برای هر دو آنها و البته به زبان هر دویشان موضوع قائسسي ها را توضيح مي دهم و خوشحالم . که دارم این کار رامی کنیم. برای من خیلی مهم . ديدن خانم متديني كه به رفاهي رس و شــوهرِش در بازار حجــره دارد وَ می خُواهد یاد و سر ر ب ر ب ر بر برگیرد و برایم مهم است که خانمی بچداش را به گالری می آورد و می آموزد. برای من بچداش را به گالری می آفرد و می آموزد. برای من دیدن مردی که به تازگی پولدار شده و برای دکور

فانهاش دکوراتــوری انتخاب می کن ۲۰ تابلویک جا می خردو برای خانه آن آقامی برد. جالب نیست چون آقااصلا برای انتخاب هانظری نداد حتی وقتی برای پرداخت خریدش آمد، گفت: «من از این کارها اصلا چیزی نمی فهمم». اما این آقاوقتی بر ایم جالب شد که گفت: «اما این تابلوها را می ُخرم تابُچههایم یادبگیرند. »برخی در این طُبقهُ تازه پولدار شده هستند که می خواهند یادبگیرندو ر پر دارند هم یاد هم می گیرند. بچههای همین آدمها ۲۰ یا ۳۰ ســال دیگر می توانند جزو فرهیختگان مملکت باشند من در گالری گلســتان دارم این ---اتفاق رابا چشمهایم نظاره می کنم و برایم این روند روبه رشد بسيار جالب و دوست داستنی است. هرچندد صدکمی از جامعه این چنین باشند.

و بااین وجود شاید بتوان این نتیجه را گرفت که جوان هایی که پدر و مادرشان به قشــر متوسـط تعلق دارندبرای پیشرفت و حتی شــایدبرای آن که

گالری است در بازار موبایل کار

می کند.هموارهازموبایلهای

برلیاننشانشحرفمیزند.

بکبار به او گفتم: «چه کسی

خريداراين موبايل هاى گ انقیمت است؟» گفت: «این

ر موبایلهامثلکارتسفیدی

ستبرای ورود به هرجایی که

فردبخواهدبرود»وجوداین

طرز فكر كه چون روى موبايل

من چندسنگ قیمتی وجود دارد، هر کاری دلم بخواهد

می توانمانجامدهم،نگاه

بیماری است و متاسفانه این نگاه در جامعه فعلی مانها دینه

شده

وجــود خودشــان ر. . اقشــار مرفه بقبولانند، ن ن فتــن به پــــر ـــی . دانشگاه، کتاب خواندن . ودانستنندارند؟

نه لزوماً بــرای قبولاندن . در شے ایط حاضے ہے نظر میرسد ایس طبقه بالاتر انتخابهای زیادی

دارند. شاید در طبقه یایین ۔ ر . ہ۔۔ں ۔۔۔۔ راھی غیراز تحصيل كردن بمىماند ے۔ صیــل بــاز میمانند به دلیـــل نیازمند بــودن ولی بههرحــال تحصیل کردن یکسی از راههای پیشرفت

را بگذرانی ولیی وقتی قرار تو ندهد، در شرایطی که جامعه هم هیچ چیزی به افراد نمے دھد آن وقت کارت سےخت تر مے شود و جااست که باید همت داشته باشی و سختکوش باشی و گرنه کاری از پیش نمی بری. بااین وجود م . بی را را را را را را را بی بی را بی این را را را معتقدم این زحمت و کار فقط برای رسیدن به آن بالا نیست، بلکه می تواند برای آن باشد که خودت آدم با فرهنگی شــوی. به نظر من هیچ مسابقه ای نباید در کارباشد بلکه خودت با خودت باید مسابقه

بدهى ومدام خودت از خودت باید جلو بزنی بعلی و حدیم طوحه بید به بویری . البته هستند کسانی در این میان که کلک میزنندوسراین و آن کلاه می گذارند چون دلشان می خواهد فلان خودرو یا فلان خانه را داشته باشند و این موضوع، در دوره حاضر به شدت اهمیت پیدا کرده. در دوران جوانی مااصلااینطور نبود. پولدارها خُودروداشتَندو پُول، اما پزنمی دادند، أنها در عین آن که رفاه داشتند، تواضع هم داشتند. اما امروز ب همه چیز فقط برای نمایش است و بس. آقایی که خودرو پورشه داشــت و لباسهای گرانقیمت هم مىپوشىدبەمن گفت: «تابلويىدارم كەمىخواھم

شهرداري السـت. اگر قرار است تفکيک زباله انجام دهی این راهش نیست. می شود از راههای بهتری ی در از کرد کی در کرد کرد. وارد شد. فقط نیاز است فرهنگ سازی کنیم در گذشتهماایرانیهاعادت نداشتیمزبالههایمان راسر کوچه و داخل سطل زباله بیندازیم اما امروز ای*ن گ*ار وپ و سامی کنیم برای این کار تفکیک همهایدسطل های ویژهای تعبیه کنند، اگر این کار را انجام دهند مردم . بەتفكىك: بالەھاغادت، تفکیکزبالههاعادتمی کنند. • بهنظر شـما نابســامانیهایی که جامعه ایرانی -فارغاز تفکیک طبقههای مختلف

آن را بفروشم». چون تابلو بزرگ بود نمی تواند

آنرابا خودش به گالسری بیاورد. به خانهآن رفتم تا تابلو را قیمت گذاری کنم. با یک آ پارتمان ۴۰

متری مواجه شدم. او با خودرویی که زیر پایش بود

ولباسی که می پوشید می خُواست بقیه را گول بزند برایم دیدن چنین منظرهای خیلی عجیب بود. اما

اُن شیک بودن ظاهری، برای چیست؟ برای اُن که مروز ظاهر اهمیت پیدا کرده خانمی که با وجود

امروز ظاهر اهمیت پیدا کرده خانمی که باوجود تمام مشکلات مالی برای فرزندش کفش ۵۰۰هزار

ر نومانی میخرد چــه هدفی غیــر از خودنمایی و عقب نیفتادن از غافله ظاهر بینها می تواند داشته

باشد ؟ این کاریک مسابقه زشت است. یکی از کسانی که مشتری گالری است در بازار موبایل

کار مے کند همواره از موبایل های برلیان نشانش

ر می حرف می زند. یک بار به او گفتم: «چه کسی خریدار این موبایل های گرانقیمت است؟» گفت: «این

ت رہیں موہایل هامثل کارت سفیدی است برای ورود به هرجایی که فرد بخواهد برود» وجود این طرز فکر

که چون روی موبایل من چندسنگ قیمتی وجود دارد،هرکاری دلم بخواهدمی توانم انجام دهم،نگاه بیماری است و متاسفانه این نگاه در جامعه فعلی ما

مترجم صُحبت کنیم. شُمابه خودتان و احتمالابهمخاطبانتان این فرصترامی دهید که در مـورد واژههایی مثل عدالت، آزادی،

زندگی، شـادی و ... تعاریف متفاوتی داشته باشـند. تعاریفی کـه برخاسـته از عینیت

. بخشیدن یک واژه ثابت در فرهنگها و جوامع متفاوت است. خودتان در این مورد

به نظر من عدالت، عدالت است و آزادی، آزادی

اما در هــَر جَايي به روش آن جامعــَه وَ فرهنگُ آن

جامعه به آن نگاه می شود. اما باید بپذیریم که عدالت به طور دربست وجودندار ددر هیچ کجای دنیا وجود ندارد د مثلا در این واقعه اخیر در پاســـاژ علاء الدین

۔۔۔ر۔۔۔۔۔ر کی ہے۔ وقتی میبینیم شہرداری این چنین یورش می برد به مال و زندگی یک عدہ جوان بدبخت و همه را از

. هستی سُاقط می کند باید چُه واکنشی نشان داد؟ چه کسی چنین رفتار حاکی از بی عدالتی را انجام

داده؟ چه کسی بی قانونی کرده؟ کسی که خودش مسئول وضع قانون در حوزه ساختوساز است چه کسی مجوز داده؟ خودش که حالا دارد تخریب

پ می کند.می شد به مغازه دارهای بدبخت فرصت داد تامغازه هایشان را تخلیه کنند و در فرصتی به این

موضوع به صورتُ قانونی و متمدنانه رسیدگی کرد. چنین رفتاری چیزی غیر از ارایه یک رفتار افراطی

چەچىزىمىتواندباشد؟ازسوىدىگربىلبوردھاى

پ پیروی می و تصایحی که روی آنها نوشته شده شــهرداری و نصایحی که روی آنها نوشته شده فقط یک ســری جملات خندهدارند. کاریکاتورها

و عکسهایی که در آنها استفاده می شود، حاکی ز نبود تخصص و نوعی بدویت است. من و عدهای

از هنر مندان به این موضوع اعتراض کردیم و حتی چند نفر از ما طی جلســـاتی با مسئولان سازمان زیباســـازی صحبت کردنـــد،اما بعـــداز اتمام این

محبت ها شهر داری مثل همیشه کار خودش را

باید مکانی دایر شـود که در آنجااز هنرمندان

چەنظرىدارىد؟

• اجــازه دهید کمی درباره خانم گل

یر کی اجتماعی-با آن دست به گریبان است تا چه حد تحت تاثیر عمل کر ددولت هاست؟ در دوران آقای احمدی ناواد آن قدر خراسی به بار آمد که کار آقای روحانی هزار برابر هر . رئیس ُجمهوری دیگری اسـت. چند روز پیش در خاتمی نیست! خب او نمی تواند بهتر باشد. ببینیم ر پ پیرون ر بی رو بی پ پیرو را؟!این حرفاصلاحرف درستی نیست. روحانی کارهای زیادی در پیشش دارد. اگر از پس همه آنها برآید کار مهمی کرده. اما الان برای قضاوت کردن زود است. حالا حالاها باید خرابیهای آن ۸سال را

مُرمت کندتابرسدبه سازندگی. درباره وزارت ارشاد چطور؟ عملکرد این وزار تخانــه در مقایســه بــاوزارت فرهنگ ارشــاد دوره پیش تغییر محسوسی داشته

درباره این وزار تخانه باید بگویم متاسفانه هیچ چیز تغییر نکرده است. چند کتاب من هنوز در ر السّاد ماند ماند. در حوزه سینما هم مشکل فراوان است. «خانه پــدری»، «قصههــا» و «عصبانی نیستم» هنوز مشکل دارند. وزیر ارُساد قول حمایت می دهد اما مدام عقب می نشیند. چرا این کار رامی کند؟ باید پای حرفش بایستدو پیش یں راز برود. حداکثر این که شغلش را از دست می دهد. اشکال ندارد، حداقل با عزت این شغل را از دست میدهد قدرت ماجرای عُجیبی استُ وقَّة دست آمد آدمی دیگر دوست ندارد آن رااز د بدهد. من اگر به جای وزیر بودم مُحافَظُه کاری و احتیاط را کنار می گذاشتم و پای حرفم سفت و سخت می ایستادم. سوال من از وزیر این است که چراپای،مجوزخودتان نمیایستید؟کنسرتهای مجوزدار توقیفمی شوند،فیلمهای،مجوزدار نوبت اکران نمی گیرند، کتابهای مجوزدار هم منا رے کی ہر نمیشــوند کتاب «میرا»ی من ۱۲سال توقیف سـت و آن را دوباره به ار شـاد فرستادم تا ببینم ین بار، مسئولان جدید چه می گویند. گفتند از ۱۲۰ مفحه، ۸۷ پاراگراف را حذف کن، بااین توصیف کتاب می شود ۳۰ صفحه و طبیعی است که من نمی توانم این کار را بکنم. و مضحک این جا است که افست آن که غیر قانونی است و مجوز ندارد دارد تند تند تجدید چاپ می شود و فروش

برای کتاب «زندگی در پیشرو» می گوینداسم سر را عوض کن این حرفها حیرتانگیز است. نه، هیچُ چیز تغییر نکرده سینما، تثأثر و موسیقی همهبامشکل مواجههستنداینجاست کهمی گویم مهه بمساحل مواجه مستعدایت باست تحتی مویم درباره موضوع مرتضی پاشـــایی، فقط علاقه مردم به این خواننده آنها را به خیابانها نیاورد، این یک واکنش بود واکنشی به تمام کمبودهای جوانان ما ودكهمن خيلي باآن موافقه من إزجامعه شناساني ر که مردم رابه شوبرت گوش کردن ترغیب می کنند تعجب و حیرت می کنی هنوز خیلی مانده که ما به يُم. فعلامر تضي پاُشايي بيشتر كارمان بم. فعلامر تضي پاُشايي بيشتر كارمان راراهمى اندازد تاشوبرت عزيز من!

ُ در پایان می خُواهم درباره حرف شنوی از بزرگتسر که یکی از سنتهای فرهنکی اربرر نظر که بختی رستنده ی عرصتی ایرانیان بود صحبت کنید. شما در ۱۸ سالگی از طرف پدرتان مخاطب چنین جملهای قرار گرفتهاید: «در این خانه خورد و خوراکت سر جاًیش است اماً برای داشتنُ در آمداً ز الان بهُ بعد خودت باید کار کنی.»شاید اگر این جمله از ســوی یک پدر امروز به یک فرزند امروزی

گفته شُودبحثوجدل بهراهبيفتد. چرا؟ اگر من أن حــرف را نمىپذيرفتم چـــه اتفاقے ى افتاد؟نمى دانم اصلابه مخيله ام خطور نمى كرد نپذیرم. این حرفها در آن سالها مرسوم نبود اما حمایت بیجای پدر و مادرهای امسروزی از فرزندانشان هم در آن روزُهَا وجُود نداش درباره فرزنداتــم هم راه پدر را برگزیدم. همیشــه می گفتم روی پای خودتان بایستید. این مقوله یک تفکر خانوادگی-فرهنگی است. تفکری نیست که بتوانم به همسایهای که برای فرزندنش کفش ۰۰۵هزار تومانی میخرد انتقال دهم. به شـعور و فرهنگ مربوط می شود که متاسفانه کمبودش روز بەروزبىشترحسمىشود.